

مدیر کل

جلال‌الدین‌الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روز نامه هفتگی
 و یومیه (جبل‌المتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نایب مدیر میرزا سیدحسن کاشانی
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روز
 طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
 سایر بلاد داخله ۴۵ قران
 روسیه و قفقاز ۱۰ منات
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
 (قیمت يك نسخه)
 در طهران صد دینار
 سایر بلاد ایران سه شاهی است
 قیمت اعلان سطر
 دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و درانتشارش اداره آزاد است

یکشنبه ۲ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۳ آذرماه جلالی ۸۲۹ و ۸ دسامبر ۱۹۰۷ میلادی

(ملاقات و دفع اشتباه)

(مانکوئیم بدو میل بناحق نکنیم)

(جامه کس صیه و دتق خودارذق نکنیم)

در این ایام قصه واجب و مرسوم قتل مجلس هاست
 و تحقیق از قطع یا ابقاء حقوق شغل خاطرها
 (قومی بنم قدو گروهی زبی جنس)

(بعد از غم رویت غم بیهوده خوراند)

ایکاش این توجه و انتباه در مظان بطلان حقوق ملی
 و منافع مملکتی هم بیخبران را بیدار میکرد و مخموران
 را هشیار و الا برای مواجبه که اصلش باطل و عنوائش
 قبیح و اخذش غیر مشروع است انجمن کردن و عزا
 گرفتن کار خرد میدان نیست باری رشته این مطلب را
 همین جسا قطع میکنیم شاید در این زمینه فلم سرکشی
 گند و دوستان آزرده خاطر شوند آنچه را در این
 لایحه میخواستیم بگوئیم این است که کمیسیون مالیه محل
 اعتراض بعض ارباب حقوق است و بیشتر از همه اعضاء
 جناب وثوق الدوله واقع شده میکنند در این اصلاحات
 بمرض کار کرده است بدلیل اینکه مواجب خود و اقوام
 خود را باقی گذاشته و حقوق سایرین را سرکرده است
 این بنده را باجناب ایشان سابقه الفتی بود و ایشان را
 بر من حق صحبتی باحسن ظنی که باخلاق ایشان
 داشتم وقوع چنین امری را مستبعد میدانستم اما هجوم
 اعتراضات و کمال شهرت را نیز بشبیهت میکنند
 و در ماده ایشان ظن بد بردم یا خود کفتم تحقیق امر از
 خود ایشان اولیتر است چه یقین داشتم که باسوابق و داد
 و اتحاد حقیقت امر را بامن بنده در میان خواهد گذاشت
 و چیزی از من مخفی و مستور نخواهند داشت

روز پنجشنبه ۲۱ شوال برای ملاقات ایشان بیاغ
 بهارستان رفته باحضور چند نفر از و کلاء عظام ایشان را
 ملاقات کردم

خلاصه سئوال و جوابی که مابین بنده و ایشان
 واقع شده از قرار است که ذیلا درج میشود
 ماهمیشه شمارا بشری دوستی و درستی شناخته‌ایم
 و یقین راسخ داشتیم که در هیچ مورد جلب منافع یا
 سد مضار شخصی را بر مصالح نوعی یا فضائل شرعی
 ترجیح نمیدهید برخلاف انتضار مادر السنه و اقوام
 مشهور است که شما در موقع اصلاحات بکمیسیون مالیه
 در مورد حقوق شخصی و اقوام و عشیره خود تان
 غمض عین کرده اید و نگذاشته اید چیزی کم و کسر
 شود و بنا براین شهرت اعتراضات جماعتی از دوست و
 دشمن بشخص شما متوجه است آیا چنین است که میکویند
 و جوابی در مقابل این اعتراضات دارید یا نه ؟

جواب دادند که اول لازم است خاطر عالی را
 بملاحظه قانون اکثریت که یکی از اصول تمام مجامع
 شوری است جلب نمایم و عرض کنم که رعایت این
 اصل انقدر مهم است که مخالفت آن و لو متضمن هزار
 صرفه و صلاح باشد خلافی غرض و نقص اساس و بی
 رعایت آن اتخاذ نتیجه مشورت ممتنع و محال است
 پس اگر من در تمام این مدت مرسوم کسی را
 بر خلافی اکثریت قطع یا ابقاء کرده باشم در پیشگاه
 قاضی وجدان خجلتم و تمام این اعتراضات بر من وارد
 است

ولی خوشبختانه بصدای بلند میگویم که اولاً در
 ضمن قواعدی که در کمیسیون مالیه مناط حکم قرار دادند

یک واعده دیگر که آنساب یا عدم اتساب باینده باشد وضع نگردند و قرابت باینده را مناط قطع یا ابقاء قرار ندادند بلکه با اشخاصی که با بنده مناسبتی داشتند همان مسامله را کردند که با دیگران کردند و با آنها هم هماهنگ دادند که بدیگران دادند

ثانیاً این اعتراض در صورتی محل داشت که اعضا کمسیون بقول من عمل میکردند اما بملاحظاتی بنده در اوائل شروع باصلاحات رای خود را اسماک کردم و فقط اکثریت یا اقلیتی که از آراء سایر همکنان محترم حاصل میشد بی مداخله رای بنده مناط حکم بود

ثالثاً با همه این مقدمات اگر باز ترحمی باقی بماند در خصوص اشخاصیکه باینده مناسبتی دارند تجدید نظر و حکم کنند و هر چه یرخلاف واقع شده است اصلاح کنند و اگر از بنده ضدیت یا تأثری احساس کردند اعتراض فرمایند

تا اینجا جواب اعتراضات بود

اما آنچه در باب مواجب خود بنده گفته میشود که شش هزار تومان یا بیشتر واجب داشته ام و کسر نشده است جواب این است :

که از هر جهت و هر باب دو هزار و هشتصد و هفتاد و دو تومان نقد و سی خروار جنس باسبم بنده و سیصد تومان باسبم صبیبه مرحوم آصف الدوله که در حجر بنده است بخرج منظور است

مواجب شخصی بنده بعد از هفده سال نوکری در مقبل زحماتی که شب و روز تحمل میکردم و غالب اهل این شهر مطلعند داده میشد

و مواجب صبیبه مرحوم آصف الدوله از چند هزار تومان مواجب پدری او بر قرار بود

در اول کار رای شخصی بنده این بود که تمام مبلغ و مقداری که باین دو اسم منظور است مقطوع و از جزو مخارج دولتی موضوع شود

و غرض اصلی این بود که این مبلغ که در سال به بنده میرسد فقط مخارج سه ماه بنده را کفایت میکند میخواستم بعد از اتمام بودجه و بر کشت حقوق

معروضه شرحی از ترتیب معیشت خود بمجلس مقدس عرضه دارم و استدعا کنم دولوضع زندگانی بنده تحقیق فرموده اگر خدمت تالیفی را که از بنده برمیآید قابل آن دانستند که معاشی بقدر کفایت به بنده بدهند و ما دام که در این خدمت هستم امر معاشی مرا کفایت فرمایند و هر وقت مالی شدم ندهند و از طریق دیگر تحصیل معاشی کنم

ولی اعضاء محترم کمسیون وقتی که باسم بنده

رسیدند این دو فقره حقوق بنده را بانفاق ابقاء فرمودند و هر چه بنده برای امضاء قصد و نیت خود استحسانات گفتم و استدلالات کردم پذیرفتند

و گفتند از آنچه باید برای بنده معاش معین کنند مواجب دیوانی را موضوع و بقیه را در جزو بودجه مجلس منظور دارند

و در دو مراجعه ثانی و ثالث نیز باینده همین مسامله شد در نظر داشتیم که بعد از اتمام اصلاحات کمسیون شرحی بوزارت مالیه عرض کنیم که مواجب مرا در کمسیون مالیه بانفاق آراء ابقاء کرده اند و البته آنچه حکم قانون است مطاع و متبوع است اما باز این اختیار برای من باقی است که از این مواجب صرفی نظر کرده استند ما کنیم این مبلغ را از جزو مخارج دولتی موضوع و مقطوع فرمایند که حالا که بنده بخدمت دولتی مشغول نیستم چیزی باین عنوان دریافت نکنم و این شرح را در ایامی که اصلاحات کمسیون در صرف اتمام بود نوشته بودم و الان حاضر دارم

در این موقع مسوده کاغذی که بوزارت مالیه در این باب نوشته بودند در آورده و در حضور جمع ارائه کردند ولی فقط چیزیکه مانع از این خیال شد کم صبری و شتاب همین معترضین شد که زبان اعتراض بر بنده گشودند و با اعتراض هم قناعت نکرده بنای تمهید گذاشتند و هر چه توانستند کردند و گفتند و نوشتند بنده فقط برای آنکه بچین و بد دلی منسوب نشوم از تقدیم این ذریعه نیز تردید و تقاعد کردم و اکنون هم میگویم که اگر توهم این مطلب نباشد بنده از هر مواجب و مرسومی که باسم من در بودجه دولت منظور است صرفی نظر میکنم و بهر قدر که در بودجه مجلس باسم من منظور شود قناعت می کنم

نکارنده گفتم آنچه میگوئید صحیح است ولی گذشتن از تمام مبلغ مواجب موهم قهر و اغراض خواهد بود بهتر این است بوجه دیگر بگوئید که من مبلغی از حقوق خودم صرفی نظر میکنم که باختیار جناب وزیر مالیه بضمفای ملت که شاید در کمسیون مالیه مجلس شورای ملی مورد جرح و تعدیل شده باشد تقسیم شود

در جواب گفتند شخص شما وکالت دارید که در خصوص حقوق دیوانی من بهر نحو مصلحت میدانید بنمائید و از من همیشه در است که اظهار شما را تصدیق کنم اظهار شما معتبر و اتمام شما مرضی من خواهد بود مجلس همین جا ختم شد و بر خواستم و خدا را شکر کردم که شخصیرا که در این شهر بمکارم اخلاق و معائن اوصافی شناخته بودم همان است که بوه و من

در این احساس خود خطا نکرده بودم
پس با خود گفتم تو که لای خدمت بملت میزنی و ملتزمی
که برخلاف ملت دوستی قدمی نه پیمائی در این موضوع
دو تکلیف واجب داری

اول آنکه آنچه را دیدی و شنیدی بمساع عموم
ملت رسانیده ببخیران را از شرح آن خبردار و متمددان
یاوه گورا باین دقیقه هشبار نمائی که ای ملت با همت
تمام اساس زندگی خود حتی زینت زنان و لباس مردان
را برای حفظ ایرانیّت و اداء حق قومیت وعده گردید
پس چه شد معدودی از بی مروتان شمارا که بخضال
دراهمی معدود یعنی مواجبی موهوم یا مرسومی معدوم
که خاصه در حق غیر محنا جین خون کسان است که
ناکسان میخورند این نواها را ساز و شور و شب
آغاز کردید

و چرا بانصافی خود رجوع نمیکنید آنچه را ضعیف
ترین اهالی مملکت برای حفظ نواهایس و بقای
سلسله قومیت خود باشد احوال تقدیم خزانه دولت
میگردند شماها بیک حقه بازی و شیوه سازی میگردید
و میخوردید و مانند خون بیما چپو می گردید

در این موقع باریک که از شدت فقر و مسکنت
کار مملکت بهلاکت و فسلاکت رسیده آیا هنوز جای
آن دارد که مال ملت را برای خود ملت نخواهید و با
کمال سرافرازی بیکدیگر را باین دلیل فدا کاری که
زما بگرفته و بر ما فروشد تشویق و تحریص ننمائید
و سرمشق ندهید و برالواح دفتر گذشته خط عذری نکشید
چرا بلو همت و بروز شرافت نفس که اول
نمونه اش تسلیم و رضای احکام مقدسه مجلس شورای
ملی و اصلاح بودجه مملکت است ملت را امیدوار نمیفرمائید
و در عوض بالواع شیطنت اذهان را مشوب میسازید
دویم آنکه برای تامین و تشویق این جوان غیرت
مذک که از این اعتراضات اظهار ملالت و افسرده گی
مینمود با اعتمادی که برور خیر خواهی خود بمعموم
ملت دارم از زبان عموم ملت بگویم آقای من
(دیک آموی درشتی های او)

(پیش پایت پر تیان باید همی)

این دل سردیها چرا و این خستگی ها چیست مجال
عقل است که اگر عرضا معصومی بخواید در افعال خود
سد ابواب همت و مهملهای غیر واقع را بنمایند صورت
پذیر گردد

هر کسی بر فطرت خود می نهد شما هم نباید
زود رنج و سست پیمان باشید شما امروز وکیل سی
گروزر ملت هستید و باید بر فطرت سلیم خداتان ملت را

که بر ذمه گرفته اید یکساعت تاخیر و تقاعد ننموده
دیگران را نیز مایوس و مره ننمائید و خدا را در
هر حال حاضر و ناظر بدانید و دیگر آنکه بموجب
وکالت شفاهی که از جناب وثوق الدوله حاصل کردم
بمحضر وزیر مالیه عرض میکنم که یکهزار تومان از
مواجب ایشا ترا منها و موضوع فرموده در مورد
بعض از ضمای ملت که شایسته میدادند تقسیم فرمایند
یا جزو بر کشتی ها و ضبطی ها که صرفی مخارج
مشترکه عموم ملت باید محسوب دارند یقین دارم جناب
وثوق الدوله وکالت من را چنانکه حضورا گفتند تصدیق
و تصرفیرا که در این باب کرده ام امضا خواهند داشت

(خادم ملت نصرالله ملك المتكلمین)

(جبل المتین)

خداوند طول عمر بدهد جناب وثوق الدوله را
اما این عمل بمثابه آن است که بعد از خود توصیه باداء
خمس یاثلث نمایند
واقعا اگر چنان قصدی داشته هر کز اکثریت آراء
آزادی ایشان را سلب نمیکرد

خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

(پنجشنبه ۲۸ شوال)

بعد از انعقاد شروع قرائت قانون انطباعات هدی
چند ماده از آن قرائت و مباحثات دقیقه شده تصحیح
شد سپس جناب رئیس اظهار داشتند از قرار کاغذی
که جناب معز السلطان نوشته است خانه ملکی موروثی
خود را که سی هزار تومان می ارزد میجانا برای مدرسه
ایتمی که مجلس می خواهد افتتاح نماید تقدیم کرد
عموما اظهار تشکر از وطن خراهی و همراهی معظم الیه
نمودند اظهار شد که از قرار معلوم طرفی مقتولین
محله سید اسمعیل از تاخیر قصاص قاتلین شکایت و نگرانی
دارند در صورتیکه مقصرین مجبوس و مشغول بتحقیق
ورسیدگی میباشد و هنوز از طرفی آقایان حبیب اسلام
حکمی در اینخصوص صادر نشد هرگاه از حالا حکم
بر تعیین و ثبوت قاتل بدهند فوراً اجرا خواهد شد
و ابدأ از طرفی دولت مسامحه نخواهد شد و هرگاه
بدون تحقیق اجرای مجازات هود این خود یک علت
عنادی بین طرفین خواهد شد گفته شد که این اشخاصیکه
مر تکب این قتل هدهند آیا محارب بودند یا نه در
صورت محارب بودن لازم نیست که ثابت شود کدام
یک قاتلند

گفته شد ایهم باید آقایان حکم بفرمایند تا مجازات
داده شود هر وقت که از آقایان حبیب حکم صادر کرده

حمایت از مشروطه و مجلس مقدس نمودند و مجلس را بدعای ذات اعلی حضرت همیونی و بقای مجلس شورای ملی شید الله ارگانه ختم گردانیدند —

اعضای اداره حبل المتین دوام و استحکام این انجمن محترما همیشه از قادر منان مسئلت مینمایند و یگان یگان برادران دینی را براین حمیت و تمصب وطنی تبریک میگویند امید که از بذل و توجه و همت باعلی رتبه تمدن و عزت ارتقا یابد — از درج عین لواحق بواسطه تنگی صفحات مضررت میخوایم

(امتنان)

معارف پژوهی از غیر تمدنان بندراترلی که روح مجسم است و حمیت مصور و از هواخواهان این اداره اسلامی است در موقع توقیف چند روزه نهایت متاثر و متأسف گشته و بعد از رفع توقیف از راه وطن خواهی و معارف پرستی مبلغ پنجاه تومان برسم اعانه و رفع خسارت وارده بتوسط وکیل محترم ما ارسال داشته و خواهش کرده اند که نام نامی ایشان در جریده نوشته نشود تا نیت خالص بشوایب ریا مشوب نکرده خداوند چنین بزرگان را در وطن ما زیاد فرماید مانیز رد احسان را جایز ندانسته با کمال امتنان قبول کرده و اظهار تشکر میکنیم —

(قبر ینک)

اهالی وطن عموما مرحوم میرزا علی محمد خان کاشانی مدیر روزنامه پرورش را خوب میشناسند و ما که با آن مرحوم همشهری هستیم بهتر و خویتر از مفاخر و معالی این فامیل محترم مطالعیم هوش فطری و ذكاء طبیعی و سرعت انتقال آنها از عجایب امور است و صفحات روزنامه پرورش بر مراتب ان مرحوم بخوبی شاهد و گواه است ، میرزا عبدالحسین خان وحید الملك که در هندوستان امتحان مراتب تحصیلش درمیان ده هزار شاگرد انگشت نما گردیده و اکنون مدرس زبان انگلیسی و حقوق در دار الفنون طهران است ، میرزا عبدالله خان اخوی که شهرت ایشان نیز در قاهره مصر مشغول تحصیل بود و این ایام فارغ التحصیل شده و در ادبیات مقامی عالی بدست آورده و از وزارت معارف دیلم گرفته اند و روزنامه شراء المؤید شرح این امتحان را مفصل نوشته است بهرحال از صمیم قلب جناب میرزا عبدالله خان و اخوان مکرشان را از این موفقیت تبریک و تمنیت گفته از دیاد اینگونه وجود هارا از خداوند متمال خواهانیم —

(حسن الدینی الکاشانی)

پلاسمه اجرا خواهد شد و یا بوزارت عدلیه ثابت شود و این نگرانی و عجله طرف هم بی موقع است زیرا که ثبوت بمیل ورثه البته قائلین قاصد خواهند شد که به بید حکم قتل از طرف حجج اسلام موضح بپوشید و بیخ همیونی و همان را در میدان ب مردم اعلان و اعلام کرده پس از آن قائلین را بجزا برسانند (مجلس ختم شد)

(بشارت)

از بدو انعقاد مجلس مقدس و آغاز دوره مشروطیت هر یک از طبقات و اصناف ملت از اعیان و اشراف و طلاب و اعزّه و تجار و کسبه و غیره هم اتفاق کرده محض جلب یگانگی و اتحاد و ملب ریشه نفاق و استبداد و استحکام اساس مجلس مقدس و پیشرفت امور مشروطیت و دفع ظلم و تعدی انجمنی تشکیل داده و باسمی موسوم گردند و در جلو گیری جور و استبداد و همراهی با اساس مشروطیت از هیچ گونه اقدامی دریغ نفرمودند بتازگی طبقه نوکر باب با آنکه هر یک در انجمنی عضویت داشته و در همراهی وطن پرستان و عدالت خواهان کوهش مردانه نموده اند از همت بلند با ینقدر قناعت نکرده خواستند بهیئت اجتماع در آستان قدس مجلس شوری خود را معرفی و عامه طبقات ملت را از برادری و همراهی خویش آگاهی دهند لهذا عموم طبقه نوکر باب از همت عالی و تمصب وطنی انجمنی موسوم به (انجمن حمیت) تشکیل داده اند

جلسه دوم انجمن روز سه شنبه ۱۹ شوال در منزل مبصر الدوله غفاری کاشانی منعقد و از طرف هیئت انجمن خطابه شیرینی تقریبا باین مضمون که (اگرچه تاسیس این انجمن زمانا از سایر انجمنهای محترم عقب افتاده لکن از تأییدات امام عصر ۳ و حمیت و اقدامات مجدانه اعضای محترم امید است که بواسطه خدمت شایان و اقدامات نمایان این انجمن بعالم انسانیت و نشر معارف و لوازم مدنیت و اجرای قوانین مشروطیت از دیگران عقب نماند بلکه توی مسابقت از میدان وطن پرستان و ترقی خواهان بریاید)

و روز جمعه ۲۲ هیئت اعضای انجمن محترم در منزل منتصر الدوله بجهت انتخاب کمیسیون و نوشتن نظامنامه جمع شده و جناب معظم الیه نیز خطابه بسیار غرائی در فوائد ایجاد و افتتاح مدارس و تقویت از مشروطه بیان نموده — سپس بهاء الواعظین نطقی مفصل راجع بکلیه ترقیبات نوعی و مملکتی بیان فرموده هیئت انجمن را ترقیب و تحریرش با اتفاق و